

۱۶۰۶۵۴

کیفرشناسی

بایسته‌های زندان و مجازات

نویسندگان:

دیوید اسکات - نیک فلین

ترجمه و تحقیق:

محمدتین ارسا

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

مهرداد رهنورد افق

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه	اسکات، دیوید گوردون، ۱۹۷۱ - م. Scott, David Gordon
عنوان و نام پدیدآور	کیفرشناسی بایسته های زندان و مجازات/نویسندگان دیوید اسکات، نیک فلین؛ ترجمه و تحقیق محمدمتین پارسا، مهرداد رهنوردواقف.
مشخصات نشر	تهران: مجد، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۳۲۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۳۹۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	تأدیپ
موضوع	Corrections
موضوع	زندان
موضوع	Prisons
موضوع	مجازات
موضوع	Punishment
شناسه افزود	ین، نیک
شناسه افزوده	Flynn, Nick
	شناسه افزوده : پارسا، محمدمتین، مترجم
	شناسه افزوده : رهنورد واقف، مهرداد، مترجم
	رده بندی کنگره : HV۸۶۶۵
	رده بندی دیویی : ۳۶۴/۶
	شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۲۶۹۲۰

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده یا ناشر، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
مردم تخطی را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

کیفرشناسی: بایسته های زندان و مجازات

دیوید اسکات - نیک فلین

ترجمه و تحقیق: محمدمتین پارسا/ مهرداد رهنورد واقف

انتشارات ه بند

تعداد: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۹

حق چاپ محفوظ و منحصراً «مجد» است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۳۹۹-۸

SBN: 978 - 622 - 225 - 399 - 8

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

فروشگاه: تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۶۶۴۸۷۸۷۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲

www.majdlaw.com

E- mail: info@majdlaw.com

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۱.....	بخش اول: کیفرشناسی
۱۳.....	۱-۱. اندیشیدن مانند یک کیفرشناس
۳۴.....	۲-۱. منابع دانش کیفری
۵۳.....	بخش دوم: رئوس مطالب برنامه آموزشی
۵۵.....	۱-۲. ترجیحات کیفر
۸۲.....	۲-۱. نظریه پردازی در مورد زندان ها و کیفر
۱۰۸.....	۲-۳. کیفرشناسی رایقه
۱۳۰.....	۲-۴. تاریخچه هی جاس در انگلستان: تا ۱۹۹۷
۱۵۳.....	۲-۵. سیاست کیفری: سال ۲۰۱۳
۱۸۳.....	۲-۶. مدیریت کیفری و رعیت دانیان
۲۰۸.....	۲-۷. جامعه شناسی زندگی در زندان
۲۴۱.....	۲-۸. پاسخگوسازی کیفری
۲۵۹.....	۲-۹. دوره ی مراقبتی و مجازات های اجتماعی
۲۷۹.....	۲-۱۰. دستورالعمل های آینده و نگرش ها جایگزین
۲۹۹.....	بخش سوم: منابع بیشتر
۳۰۱.....	واژگان
۳۱۹.....	منابع مورد استناد مترجمان

مقدمه

تا نیمه‌ی اول قرن بیستم، تمرکز مطالعات جرم‌شناسانه بر رفتارهای مرتکب و علت/عامل وقوع جرم بوده است و فرض بنیادین چنین بود که نظام عدالت کیفری رسمی و مجریان آن اعم از پلیس، دادگاه‌ها و نهادهای اجرای احکام، نمی‌توانند مسأله‌آفرین و مشکل‌آفرین باشند؛ زیرا این نظام مطابق با اهداف تعیین‌شده رفتار می‌کند. حاصل آنکه تا نیمه‌ی ابتدای قرن بیستم در جستارهای جرم‌شناسانه، خود سیستم عدالت کیفری مورد توجه قرار نگرفت. تا این حال در طول دهه ۱۹۶۰ فروماندگی نظام عدالت کیفری (از جمله پلیس و دادگاه و نهادهای اجرای احکام) در پاسخگویی کارآمد به جرم و نافرمانی مدنی را شاهد بودیم. در همین صائبی به چشم آمد که مستقیماً به اهداف مبنایی نظام عدالت کیفری مرتبط بود؛ فاهیه «همچون «عدالت کور» و «تخصص‌گرایی منصفانه» که تا این زمان از صفات برجسته‌ی نظام عدالت کیفری پنداشته می‌شد، به سرعت کنار گذاشته شدند؛ زیرا این تفکر که عامر سبب و بس از آن نظام کیفری به خودی خود نیز می‌توانند نقش قابل توجهی در خروج سیستم داشته باشند، جایگزین آن شد. چنین تحولی نگاه اندیشمندان کیفری را به سمت این پرسش جلب نمود که اشخاص و سازمان‌ها می‌توانند چه سهمی در فرایند کیفری داشته باشند و در نتیجه سمت‌وسوی تحقیقات از صرف چاره‌جویی برای بزه‌کار و علل و عوامل ارتکاب جرم به مفهوم و نتایج و آثار اقدامات کنترل جرم نیز گسترش یافت. موضوعی که امروزه شالوده‌ی علم کیفرشناسی را شکل می‌دهد.

یکی از ضرورت‌های گسترش دانش کیفرشناسی از آن جهت است که عموماً کیفرها در عمل با آنچه انتظار می‌رود انجام گیرد، تفاوت‌هایی خواهند داشت. بنابراین باید میان دو مفهوم تفکیک قائل شد؛ کیفر قانونی (Legal Punishment) و اجرای/عمل کیفری (Penal Practices or experienced punishment). کیفر قانونی در واقع ایده‌ای است که قانون‌گذار و مقام قضایی کیفرده (قاضی) از کیفر در ذهن دارد (صورت انتزاعی کیفر)؛ اما اجرا و یا عمل کیفری، صورت واقعی و اجراشده‌ی کیفر است (صورت انضمامی کیفر). می‌توان شکاف بین کیفر قانونی و اجرای کیفری را در دو بُعد مورد توجه قرار داد: الف) هدف و فلسفه‌ی کیفر؛ و ب) عوارض جانبی کیفر. در بُعد فلسفه و هدف، ممکن است که قانون‌گذار (کیفرگذار) و قاضی (کیفرده) هدف کیفر (به‌عنوان

مثال) زندان را بازپروری بدانند و بر مبنای آن تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کنند (کیفر قانونی)؛ اما در عمل زندان نتواند هدف بازپروری را تأمین کند (اجرای کیفری). نکته‌ای بسیار حائز اهمیت آن است که کیفر آن چیزی نیست که در ذهن قانون‌گذار و قضات می‌گذرد؛ بلکه آن چیزی است که عملاً بر بدن و روح محکوم وارد می‌شود و در عالم واقع اتفاق می‌افتد. در واقع، رنج‌های قابل پیش‌بینی و احتمالی که جزئی از مجازات نیست، اما عملاً بر مجرم تحمیل می‌شود را باید بخشی از مجازات دانست. موضوعی که در دانش کیفرشناسی به آن پرداخته می‌شود. بدین ترتیب کیفرشناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جنایی تجربی، علمی است که هم از هست‌ها و نیست‌ها صحبت می‌کند و هم به باید‌ها و نبایدها می‌پردازد. بنابراین اهمیت به کارگیری دانش کیفرشناسی و استفاده از یافته‌های آن در منظومه علومه جنایی هر کشور بدان جهت است که انسجام و تناسب بین دانش‌های کیفری منوط به آن است و با نادیده‌انگاری اصول و یافته‌های دانش کیفرشناسی، بیفراوانی در یک نظام حقوقی، پراکنده، ناهمگن، نامتناسب و به کلی عاری از چارچوبی منطقی خواهد بود.

آنچه در ادبیات حقوقی ایران به عنوان کیفرشناسی ترجمه می‌شود، برابر نهاد واژه‌ی Penology است که نشأت می‌گیرد از توسط فرانسیس لیبر^۱ در سال ۱۸۳۸ ابداع شد و به باور او «شاخه‌ای از علوم جنایی است که دغدغه‌ی آن کیفر دادن بزه‌کار می‌باشد.» با این حال این واژه در بین دانشمندان و نظام‌های حقوقی گوناگون، معنایی کاملاً یکسان ندارد. به عنوان مثال ادبیات حقوقی هلند با تمرکز بر آثا اجرای کیفر، کیفرشناسی را «علمی که دغدغه‌ی آن کنکاش اثربخشی ضمانت اجرای کیفر است» در نظر می‌گیرد. در مقابل ادبیات حقوقی آلمان، نگاه خود را بیشتر بر نوعی خاص از کیفر محدود نموده و این دانش را «علم کیفرها و ضمانت اجراها» می‌داند و همچنین به تعریف «جوهره‌ی کیفرشناسی مطالعه زندان و حبس است. کیفرشناسی در معنای معنایی منطقی آن می‌تواند برابر نهاد مطالعه‌ی زندان پنداشته شود.» متفاوت از دو مفهوم مطرح شده، ادبیات حقوقی فرانسه برای کیفرشناسی شاخه‌ی جامعه‌شناسانه در نظر گرفته و آن را «علم اجتماعی که اقدامات کیفری را از منظر جامعه‌شناختی مطالعه می‌کند» می‌داند. از این منظر کیفرشناسی «شامل همه‌ی مطالعاتی می‌شود که کیفر را به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی درک کرده و تلاش می‌کنند کارکردهای این نهاد کیفری را بشناسند.»

در ادبیات حقوقی ایران با وجود نگارش آثاری ارزشمند در حوزه کیفرشناسی، همچنان این حوزه سهم بسیار اندکی در مقایسه با سایر شاخه‌های علوم جنایی به خود اختصاص

داده است که شاید یکی از دلایل آن، نیاز به انجام پژوهش‌های میدانی و ایجاد داده‌های تجربی باشد که در نظام حقوقی کنونی ما به دلایل مختلف تمایل چندانی به آن وجود ندارد. همین رویکرد در برنامه درسی تعیین شده از سوی وزارت علوم مشهود هست؛ در دوره‌ی کارشناسی تنها یک واحد درسی به صورت اختیاری و دوره‌ی دکتری نیز دو واحد اختیاری به این عنوان درسی اختصاص داده شده است که این نشان از قائل شدن اهمیتی ناچیز برای این دانش است.

اهمیت بالای علم کیفرشناسی در منظومه‌ی علوم جنایی از یک سو و سهم اندک آن از برنامه‌های آموزشی و آثار پژوهشی (کمبود منابع متعدد قابل استفاده) ایجاب می‌نماید که توجه بیشتری به مباحث این حوزه شده و به ایجاد ادبیات کیفرشناختی غنی و متعاقباً اثرگذاری بر تصمیم‌سازی‌های کیفری همت شود؛ امری که زمینه‌ساز شکل‌گیری اثر حاضر بوده است.

مبنای کتاب پیش‌رو اثری از دیوید اسکات بوده است که ویراست نخست آن در سال ۲۰۰۸ و با عنوان «کیفرشناسی» و در سال ۲۰۱۴، با تغییراتی در پلان و اضافه نمودن مطالبی به هر فصل، ویراست دوم آن منتشر شد. با توجه به استفاده‌ی واژگان تخصصی بسیار (اشاره به نظریه یا نام یک دانشمند، نام نوع خاصی از مجازات، نوع خاصی از نهادهای کیفری، واقعه‌ای تاریخی، اصطلاحات خاص کیفری) چنین تصور شد که مطالعه‌ی ترجمه‌ی صرف برای مخاطبان بهره‌ی کافی راه به همراه نداشته و درک بسیاری از مطالب ناقص خواهند ماند؛ بنابراین در مواردی که لازم و مفید به نظر می‌رسید، توضیحاتی به صورت پانویس (با این هدف که اصل متن قابل تشخیص باشد) افزوده شد.^۱

امید می‌رود که این اثر سهم اندکی در گسترش دانش کیفرشناختی و ایجاد تفکر منسجم‌تر در تصمیم‌سازی‌های در بین تمامی پژوهش‌گران و کنش‌گران قضایی داشته باشد. در اینجا لازم می‌دانیم که از تمامی اساتید بزرگوار خود به ویژه اساتید گران قدر، دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دکتر محمد فرجیها و دکتر حسین علامی که ما را هیچ‌گاه از راهنمایی خود بی‌نصیب نگذاشتند و نیز از استاد عزیز، دکتر رایجیان جهت معرفی این کتاب، قدردانی نماییم. همچنین از سرکار خانم سمیه عزیززاده نجد که زحمت بازخوانی این اثر را قبول نمودند، سپاسگزاریم.

۱. توضیح آنکه متن اصلی هیچ‌گونه پاورقی نداشته است.